

الگوی توسعه کالبدی یکپارچه شهر و پیرامون با استفاده از ظرفیت‌های گردشگری مناطق پیراشهری

اسماعیل علی اکبری*، مصطفی طالشی، عذرا عمادالدین

استاد دانشگاه پیام نور نویسنده مسئول

دانشیار دانشگاه پیام نور

دانشجوی دوره دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۲۰

Integrated physical development pattern of the urban and periphery with use of tourism capacities in prei-urban area

Esmaeil Aliakbari*, Mostafa Taleshi, Ozra Emadodin

Professor of Human Geography Payame_e noor University and member of "Sustainable Development of Geographical Environment", Earth Sciences Faculty, S.B. University

Associate Professor Department of geography Payame_e noor University and member of "Sustainable Development of Geographical Environment", Earth Sciences Faculty, S.B. University

Student Geography and Urban Planning Payame_e noor University

Received: (20/Feb/2016)

Accepted: (10/June/2017)

Abstract

If Imagine each region as a spatial system and its cities and settlements like a system's components, among these components, there are Various linkage and interactions that have the main role in forming the functional structure of the area. Understanding the increasing continuity and the understanding the spatial system is necessary for any kind of thinking and actions for the harmonious development of city and periphery. This paper tries to introduce a pattern for integrated development of urban and periphery based on tourism capabilities of prei-urban with using of cognitive-explanation method and analyzing the sources. The framework of this pattern rely on theoretical evidences of integrated development approach, is based on balance and integration in development of urban and preiphery. The foundation of such pattern of monitoring the social, economic and physical changes of city and the settlements around the city emphasized on identifying the logics of attractiveness of urban and preiphery and tourism capacity that motive city's attractiveness of peri-urban areas, and it is proposed in the context of the integrated and flexible spatial organization in order to maintain physical and functional identity and coherent physical composition of a city.

Key words: Urban development, peri-urban Areas, peri-Urban Tourism, Integrated physical development

چکیده

چنانچه هر ناحیه را یک نظام فضایی و شهرها و سکونتگاه‌های آن را اجزای آن نظام تصور کنیم، میان این اجزا، روابط و پیوندهای متعدد و متقابل برقرار است که در شکل دادن به نظام ساختاری عملکردی ناحیه، نقش اصلی بر عهده دارد. فهم این پیوستگی و درهم‌تنیدگی روزافزون نظام فضایی، لازمه هرگونه تفکر و اقدام برای توسعه موزون و هماهنگ شهر و پیرامون است. این مقاله کوشیده است با روش شناختی-تبیینی و با غور در اسناد و منابع، مباحث و نظریه‌های برنامه‌ریزی توسعه فضایی، الگویی برای توسعه یکپارچه شهر و پیرامون بر مبنای قابلیت‌های گردشگری مناطق پیراشهری ارائه دهد. چارچوب این الگو بر مبنای التزام به پشتوانه‌های نظری رویکرد توسعه یکپارچه، بر توازن و یکپارچگی در توسعه شهر و پیرامون استوار است. شالوده چنین الگویی به پایش تغییرات اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهر و سکونتگاه‌های پیرامون شهر، شناخت علل گرایش و کشش شهر در مناطق پیرامون و ظرفیت‌های گردشگری محرک کشش شهر در مناطق پیراشهری تأکید دارد که در چارچوب سازمان فضایی یکپارچه و انعطاف‌پذیر، به منظور حفظ هویت کالبدی و عملکردی پیرامون و ترکیب فیزیکی منسجم شهر تبلور یابد.

واژه‌های کلیدی: توسعه شهری، محیط پیراشهری، گردشگری پیراشهری، توسعه کالبدی یکپارچه.

مقدمه

«پیرامون»^۱ از بنیادی‌ترین مفاهیم در جغرافیاست. بخش مهمی از اصالت جغرافیا در میان علوم اجتماعی، از توجه این علم به پیرامون ناشی می‌شود. اصل پیرامون و پیرامون‌نگری، همین‌طور عامل اصالت بخش و متمایزکننده جغرافیا از علوم محیطی چون شهرسازی، معماری و طراحی شهری است. بر این اساس، جغرافیا را می‌توان علم مطالعه پیرامون و دانش پیرامون‌نگر معرفی کرد.

از نگاه جغرافیای شهری، شهر به محدوده فیزیکی آن خلاصه نمی‌شود. به بیان دیگر، حیات شهر به ارتباط آن با پیرامون وابسته است و دوام و پایداری شهر تنها ناشی از درون شهر نیست و چه بسا این نیرو و توان را برون از محدوده و مرز خویش کسب می‌کند (فرید، ۱۳۷۵: ۴۴۳). در نتیجه، در روش‌شناسی مطالعات جغرافیایی، شهر نه به صورت مجرد و مستقل بلکه همراه با پیرامون (روستاهای اطراف و نواحی اثرگذار تحت نفوذ) مطالعه می‌شود.

شهرنشینی پرشتاب دوره جدید و تجربه سیاست رشد در پیرامون و بیرون به صورت شهرنشینی افقی و پراکندگی شهری، مرزهای جدید و افق‌های دید تازه‌ای در توسعه مفهوم و مفهوم‌پردازی نسبت به پیرامون گشوده و به ارتقای سطح دانش نظری و معرفت‌شناسی علمی نسبت به پیرامون کمک شایانی کرده است. پراکندگی شهری و گسترش فضایی شهرها به صورت دستیازی به عرصه روستاها و حریم اراضی پیرامون که به خورندگی یا خزش شهری^۲ موسوم است و دست کم در مورد ایران، در بسیاری از مادرشهرها و شهرهای بزرگ منطقه‌ای دیده می‌شود. اگرچه شواهد بارز و بازتاب‌های اصلی این پدیده را می‌توان در شهرهایی دید که در پیرامون آن جذابیت‌های گردشگری وجود دارد.

مناطق پیراشهری و حوزه‌های پیرامونی دارای قابلیت گردشگری که بیشتر متأثر از تمایلات توسعه

شهری است، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در مطالعات شهر و پیرامون دارد. این مناطق، همچنین، یکی از چالش‌های عمده طراحان و برنامه‌ریزان شهری قرن ۲۱ میلادی است. چنانچه سیورت اشاره می‌کند، زندگی در نواحی پیرامون شهرها به عنوان واقعیت موجود شهرهای بزرگ است که باید با اصول برنامه‌ریزی آنها همساز و سازگار باشد (Sieverts, 2003: 13).

بدینسان، در سال‌های اخیر، نیروهای اثرگذار و فرایندهای فضایی جدیدی میان شهر و پیرامون در قالب سفرهای گردشگری به وجود آمده که عمدتاً ناشی از انگیزه گردشگری و گذران اوقات فراغت ساکنان شهری است. این نیرو که در موارد زیادی با اثرات فضایی به صورت عمده و انبوه در محیط پیرامون همراه بوده است، پیش از این در زمره نیروهای اثرگذار شهر بر عرصه‌های پیرامونی نبوده و یا اثرگذاری به صورت موضعی، مقطعی و موردی داشته است. ساخت و سازهای ناموزون، تغییرات کاربری زمین، تغییرات کارکردی و عملکردی و تحول ساختاری محیط‌های پیرامونی، همه از جمله دگرگونی‌های بنیادی است که در نتیجه هم‌زیستی و همجواری میان شهرها با محیط‌های پیراشهری، به طور اعم، و پیراشهری گردشگری، به طور خاص، برای برآوردن نیاز شهرها و ساکنان شهری به گردشگری، به وجود آمده است.

در روند گسترش پیراشهری کنونی، یکی از مباحث مهم، تفاوت هزینه توسعه زمین و احداث زیرساخت‌ها در زمین‌های درون شهر است که به طور معمول، هزینه بیشتری نسبت به توسعه زمین در مکان‌های پیرامون شهر به سرمایه‌گذاران و مدیران شهری تحمیل می‌کند (farris, 2001: 12). بنابراین، پیرامون، دست کم با رویکرد اقتصادی، به دلیل ارزان‌تر بودن زمین سبز^۳ مطلوبیت بیشتری برای ساخت‌وساز دارد و توجه بیشتری به خود جلب می‌کند. در حالی که، ارزش‌های اجتماعی و زیست‌محیطی بلندمدت ظرفیت‌ها و جاذبه‌های گردشگری محیط پیراشهری به مراتب از ارزش

1. Periphery
2. Urban sprawl

3. Greenfield

سقایی (۱۳۸۵) ساماندهی گردشگری در تفرجگاه‌های پیرامون شهری دره اخمد در پیرامون کلان‌شهر مشهد را در سه وجه گردشگر، محیط و میزبان مطالعه کرده است. آنان، افزایش تعداد بازدیدکنندگان و کنشگری فضایی در تفرجگاه‌های پیرامونی شهر را عامل ناپایداری محیط، کاهش امنیت اجتماعی و بازدهی اقتصاد گردشگری برای ساکنان محلی می‌دانند. بر این اساس، مطالعه نقش مداخله‌گرانه مدیریت شهری در کنترل توسعه شهر و تأثیر آن بر پیرامون گردشگری را ضروری می‌دانند.

پکا کواپیلا و همکاران (۲۰۰۹) برنامه‌ریزی گردشگری پایدار و توسعه منطقه‌ای در نواحی پیرامون کشورهای شمال اروپا را مطالعه کرده است. از دیدگاه آنان، گردشگری به دلیل اثرات مثبت اقتصادی، محرک توسعه منطقه‌ای در پیرامون است اما به دلیل برخی اثرات منفی، الزاماً بهترین ناجی مناطق پیرامونی رو به افول به شمار نمی‌رود. از این‌رو، ایجاد توازن بین اثرات مثبت و منفی به منظور دستیابی به توسعه پایدار ضروری است. دلیک هودالاه (۲۰۱۰) زمینه‌ها، دیدگاه‌ها و ظرفیت‌های بنیادی برنامه‌ریزی پیراشهری در اندونزی را مطالعه کرده است. وی تغییرات سریع و پیش‌بینی نشده، جدایی فضایی و اجتماعی و چندپارگی سازمانی (نیروهای چندگانه نهادی) را چالش‌های اصلی عرصه‌های پیراشهری در آسیای شرقی دانسته است. در نتیجه، توسعه چارچوب ظرفیت‌ساز نهادی براساس رهیافت‌های شبکه‌ای، گفتمانی و فرصت‌های موجود، برای مقابله با نهادهای رسمی غیر پاسخگو و بهبود حکمروایی در عرصه‌های پیراشهری را لازمه برنامه‌ریزی برای رفع چالش‌ها در این عرصه‌ها می‌داند.

آندره پوپا (۲۰۱۲) مزایا و معایب توسعه گردشگری در مناطق پیراشهری دو نمونه ساحلی را در کشور رومانی مطالعه کرده است. این مطالعه، توسعه اقتصاد محلی و ایجاد جذابیت برای فعالیت‌های جدید، جذب جمعیت، بهبود تولید محلی و ایجاد هویت محلی، مهم‌ترین مزایا و، در مقابل، کاهش ارزش‌های محیطی و تخریب منظر طبیعی، پراکنده‌رویی شهری و استفاده ناپایدار از منابع ذخیره و تجاوز به حریم سواحل، معایب

توسعه‌ای آن به عنوان زمین شهری بیشتر است. در واقع ارزش عملکردی آن برای شهر بیش از ارزش افزوده و سود اقتصادی است.

در همین راستا این مقاله می‌کوشد، الگویی نظری از توسعه شهر و پیرامون بر مبنای ظرفیت‌های گردشگری محیط پیراشهری، با رویکرد برنامه‌ریزی یکپارچه^۱ ارائه دهد تا ضمن صیانت اراضی پیرامون و حفاظت از موجودیت فضایی و استقلال عملکردی آن، بتوان از ظرفیت‌های گردشگری مناطق پیراشهری برای توسعه شهری بهره برد. پیش فرض این مقاله این است که در ایران با بنیادها و تنگناهای جغرافیایی ویژه، محیط پیرامون شهرها، محیط چندان سخاوتمندی نیست. بر همین اساس، با وضعیت خاص ایران، محیط پیرامون به طور اعم و محیط پیرامون شهرها به طور اخص، و در رأس آن اراضی پیرامون شهرهای بزرگ، باید به عنوان منابع محدود و واجد ارزش حفاظت و یک کالای استراتژیک، نه دارای ظرفیت رشد و توسعه شهری (کالبدی- فضایی) نگریسته شود.

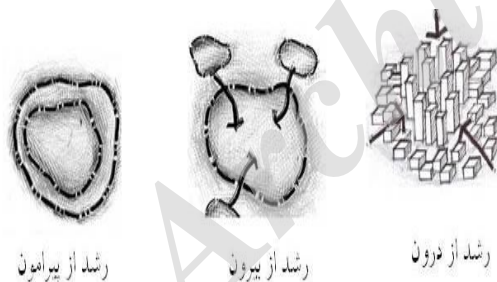
در بازاندیشی به ادبیات نظری در جهان و ایران، تحقیقات مربوط به «روابط شهر و پیرامون بر پایه فعالیت گردشگری» می‌توان به رساله رهنمایی اشاره کرد. رهنمایی در رساله دکتری که در نوع خود از نخستین پژوهش‌ها در حوزه گردشگری پیراشهری بود به بررسی گردشگری در پیرامون کلان‌شهر تهران پرداخته است (رهنمایی، ۱۹۷۹). قدمی (۱۳۸۶) در تحقیقات گردشگری شهری که با رویکرد پیراشهری است، فعالیت‌های گردشگری را عامل پیش‌ران در توسعه و تحول مقصد گردشگری کلاردشت و همین‌طور عامل فشار در آسیب رساندن به محیط معرفی کرده است. به علاوه، ماهیت رشد و توسعه شهر و پیرامون را متأثر از فعالیت‌های گردشگری و مبتنی بر مدلی می‌داند که از اصول و بنیان‌های توسعه پایدار گردشگری فاصله زیادی دارد. در نتیجه، مدل توسعه شهری-گردشگری درون ناحیه کلاردشت را مدلی ناپایدار می‌داند. کدیور و

1. Integrated planning

پراکنده‌روی شهری و ناپایداری محیط زیست را به همراه داشته است. لزوم نگرش یکپارچه به دو عرصه شهر و پیرامون در طرح‌های توسعه شهری (محلی)، از همین ضرورت‌ها ناشی می‌شود.

توسعه فضای شهری و پیوند آن با فضای پیرامون

پویش شهر برای پیوستن به محیط پیرامون، از طریق گسترش کالبدی شهر در مرزها یا محدوده رشد شهری^۱ انجام می‌شود. رشد و توسعه کالبدی شهر افزایش کمی و کیفی کاربری‌ها و فضاهای کالبدی شهر در ابعاد افقی و عمودی است که در طول زمان شکل می‌گیرد. بنابراین، رشد شهری پویشی مستمر و مداوم است، هرچند، آثار و شواهد فضایی آن آشکار نباشد. هدایت و کنترل این پویش مداوم فضایی - کالبدی، از عوامل مهم تنظیم و توازن میان شهر و پیرامون است. خط مشی‌های رشد برنامه‌ریزی شده، در کلیت آن، سه دسته رشد از درون^۲ رشد در پیرامون و رشد در بیرون قابل تعریف است.



شکل ۱. الگوهای رشد کالبدی شهرها
(مأخذ: مشکینی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۷۹)

محیط‌های پیراشهری، به کناره شهری و لبه جغرافیایی شهر همچون یک مکان، به جابه‌جایی کالاها و خدمات بین فضاهای کالبدی و گذار از نواحی روستایی به نواحی

گردشگری در مناطق پیراشهری معرفی کرده و، سرانجام، بر مدیریت گردشگری و توسعه عرصه‌هایی برای گردشگران تأکید می‌کند.

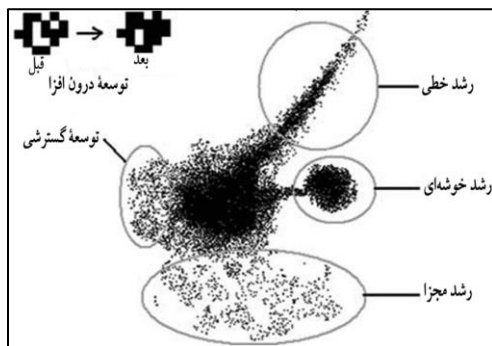
گزارش مقایسه‌ای توسعه پیراشهری در سه قلمرو اروپا، آمریکا و هند (۲۰۰۶) حاوی نتایجی است. نخست، در رهیافت جوامع غربی، مفهوم کلی پیراشهر عموماً معطوف به ابعاد کالبدی و فضایی است در حالی که می‌تواند به منظور فائق آمدن بر مشکلات ناشی از توسعه پیراشهری، چندبعدی تلقی شود. سپس، در هر دو قلمرو اروپا و آمریکا، زیرساخت‌های حمل و نقل مهم‌ترین عامل گسترش و پیش‌نیاز توسعه عرصه‌های پیراشهری بوده؛ اگرچه این تأسیسات خود تابع ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی آن جوامع بوده است. به علاوه، توسعه پیراشهری در هند، در مقایسه با ایالات متحده و اتحادیه اروپا، پدیده‌ای نوظهور و در مراحل آغازین با اختلاف حدود ۵۰ تا ۱۰۰ سال است و سرانجام، بر خلاف اروپا و ایالات متحده که سکونتگاه‌های پیراشهری مکان گروه‌های درآمدی بالاتر از متوسط است، در هندوستان گروه‌های کم‌درآمد که در مقابل تغییرات محیط زندگی‌شان آسیب‌پذیر هستند در این عرصه‌ها سکونت دارند و منابع مالی لازم و توان تأثیرگذاری کافی در فرایندهای سیاسی برای دستیابی به علایق خود را ندارند. در کنار تفاوت‌های فوق، هر سه قلمرو در چارچوب‌های سیاست‌گذاری همسویی دارند.

مطالعات فوق نشان می‌دهد که مسئله «پیراشهری» به مناطق جغرافیایی خاصی محدود نیست و در نواحی مختلف، فعالیت‌های گردشگری و غیرگردشگری موجبات تغییر مثبت و منفی در عرصه پیراشهری را فراهم کرده است. اما در نواحی که جریان‌های روزافزون میان شهر و پیرامون بر مبنای ظرفیت گردشگری برقرار است، در هم تنیدگی و پیوستگی فضایی این دو عرصه زیستی به مراتب بیشتر است؛ گردشگری که اساساً با رویکرد منفعت‌طلبانه شکل گرفته است، در حوزه پیراشهری مزایایی چون توسعه اقتصاد محلی، فعالیت‌های جدید و توسعه شبکه حمل و نقل و معیوبی چون کاهش ارزش‌های محیطی،

1. Urban growth bondery-UGB
2. Infill development

جدول ۱. اشکال توسعه پیراشهری و خصوصیات آنها

از سوی دیگر، هاروی و کلارک، اشکال پراکنش شهری را در سه نوع توسعه کم تراکم پیوسته^۱، توسعه خطی یا نواری و توسعه پرش قورباغه‌ای دانسته‌اند. این سه نوع رشد خطی، خوشه‌ای و گسترشی هستند که توسط ویلسون و همکارانش مطرح شده است (مشکینی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۷۳). آنجل و همکارانش نیز از سه نوع رشد شهری به عنوان پراکنش یاد کرده‌اند که مشتمل بر مرکز ثانویه شهری^۲، توسعه نواری^۳ و توسعه پراکنش گونه^۴ است (جدول شماره ۱). الگوهای کالبدی رشد شهری نیز در شکل ۲ دیده می‌شود.



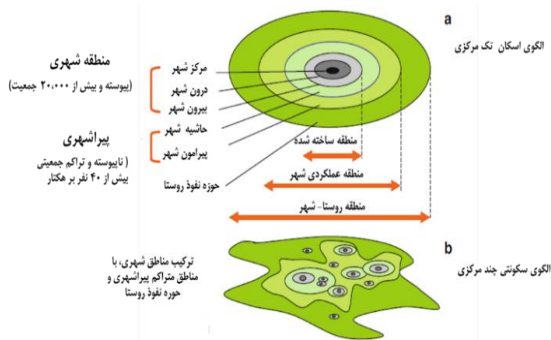
شکل ۲. الگوهای رشد فیزیکی یکپارچه شهری و مناطق پیراشهری
(مأخذ: Bhatta, 2010: 11)

از اواسط قرن بیستم به این سو، محیط پیرا-شهری^۵ به عنوان نتیجه‌ای از محدودیت‌ها در دوگانگی میان روستا و شهر مورد توجه قرار گرفت. به این گونه مناطق واژه‌هایی نظیر روستا-شهری^۶، حومه شهری^۷، حاشیه شهری^۸، پیرامون شهری^۹، پیرا-روستایی^{۱۰} و پیراشهری اطلاق شده است که در آن میان، پیراشهری به گونه‌ای معمول‌تر در مباحث شهری و سیاسی اطلاق می‌شود (امیری‌نژاد، ۱۳۸۸: ۳۵).

اشکال توسعه پیراشهری	خصوصیات
رشد ایزوله	در رشد ایزوله، یک یا چند پیکسل توسعه نیافته اندکی دورتر از مناطق توسعه‌یافته موجود، در حال رشد و توسعه هستند. ویژگی مشخصه این نوع رشد، وجود واحدهای مسکونی جدید یا ساخت و سازهای مشابه است که در پیرامون آنها یا زمین‌های توسعه‌یافته وجود ندارد و یا اینکه به میزان بسیار اندکی این زمین‌ها توسعه یافته‌اند.
رشد خطی	رشد خطی در پیرامون سازه‌هایی نظیر جاده‌های جدید، کریدورها و یا سایر ساخت و سازهای خطی جدید اتفاق می‌افتد که به طور کلی، با زمین‌های توسعه‌نیافته احاطه شده و در فاصله نسبتاً دوری از اراضی توسعه‌یافته موجود واقع گردیده‌اند. تفاوت رشد خطی با رشد ایزوله در این است که در رشد خطی، پیکسل‌هایی که به یک ناحیه شهری تبدیل شده‌اند به صورت خطی به هم متصل می‌باشند.
رشد خوشه‌ای	در رشد خوشه‌ای، رشد شهری نه به صورت خطی و نه به شکل ایزوله است، بلکه به صورت خوشه‌ای یا گروهی تعریف می‌شود. این نوع رشد در مناطق توسعه‌یافته متراکم، فشرده و بزرگ مشاهده می‌گردد.

1. Low-Density Continuous Development Sprawl
2. Secondary Urban Center
3. Ribbon Development
4. Scattered Development
5. peri-urban interface
6. rurban
7. suburban
8. urban fringe
9. urban periphery
10. peri-rural

(مأخذ: Wilson et al., 2003)



شکل ۳. مفهوم مناطق شهری و روستایی و پیراشهری (مأخذ: J. Ravetz et. Al, 2012: 18)

با این فرایند توسعه شهری در پیرامون همواره مقوله پیوند بین شهر و پیرامون حاصل تعامل دوسویه^۱ سکونتگاه‌های روستایی و کانون‌های شهری در عرصه منطقه‌ای است که از طریق جریان‌های مختلف از جمله جریان افراد، کالاها، اطلاعات، فناوری، نوآوری و مانند آن قابل شناسایی است (جدول ۲).

ظرفیت‌های گردشگری وابستگی شهر و پیرامون

میان کانون‌های سکونتگاهی و نقاط گردشگری، روابط مکملی وجود دارد؛ کانون‌ها به نقاط گردشگری و این نقاط نیز به خدمات کانون‌ها نیازمند است. در نتیجه، هرگونه برنامه‌ریزی برای توسعه گردشگری باید به توانمندی در ارائه خدمات مستقیم و غیرمستقیم توجه داشته باشد (لطفی، ۱۳۸۶: ۱۶۰). این وابستگی و روابط مکمل، تقاضا را برای سفر به نقاط مختلف به طور روزافزون، افزایش داده است. در این وابستگی جدید شهر و پیرامون، ظرفیت پذیرش گردشگر تنها به ظرفیت اکولوژیکی منطقه مربوط نیست؛ در مناطق پیرامون شهرها الگویی از توسعه گردشگری در ابعاد طبیعت گردی، فرهنگی و گردشگری بومی وجود دارد. این مناطق، برخلاف سایر مقاصد گردشگری مبتنی بر طبیعت، از جمعیت انسانی برخوردار است و همین موضوع اهمیت محاسبه ظرفیت پذیرش گردشگری در این نقاط را دوچندان می‌کند (Hall, 1994: 97). چنانکه ماتیسون و ول نیز ظرفیت پذیرش

شهری به عنوان یک فرآیند و، سرانجام، به دخالت فعالیت‌ها، سازمان‌ها و چشم‌اندازهای شهری و روستایی.

به عنوان یک مفهوم، اشاره دارد در واقع محیط‌های پیراشهری موزاییک ناهمگن از اکوسیستم‌های زیست محیطی توأم با ویژگی‌های اجتماعی- اقتصادی است (همان: ۳۶). محیط پیراشهری چه به عنوان یک مکان مستقل و چه به مثابه فضای جریان‌ها، از هم- نشینی با شهرها و مادرشهرها به شدت متأثر شده است. آهنگ تأثیرپذیری پیرامون، به ویژه طی نیم قرن اخیر، در نتیجه افزایش نیازهای گردشگری عرصه‌های شهری، سرعت و شتاب بی‌سابقه‌ای به خود گرفته است.

جدول ۲. طبقه‌بندی فضایی وابستگی‌های فضایی بین شهر و پیرامون

نوع وابستگی	عوامل مؤثر
رابطه فیزیکی	شبکه راه‌ها و ارتباطات فیزیکی و اکولوژیکی
رابطه اقتصادی	جریان مواد اولیه، کالا، درآمد، سرمایه، ارتباطات تولیدی، الگوی خرید و مصرف
تحركات جمعیتی	مهاجرت موقت و دائم، رفت و آمد جهت کار
روابط تکنولوژیک	ارتباطات تکنولوژیک (تلفن، اینترنت و...) جریان اطلاعات و داده، انتقال فناوری‌ها و ایده‌ها
تعاملات اجتماعی	نحوه دیدار و روابط خویشاوندی، مراسم و فعالیت‌های ملی و مذهبی
رابطه زمینه توزیع خدمات	جریان انرژی، شبکه مالی و تأمین اعتبار (وام) ارتباطات آموزشی و تعلیماتی، سیستم‌های خدمات درمانی، عرضه خدمات تخصصی فنی و تجاری، سیستم‌های حمل و نقل
روابط گردشگری	ارتباط بر مبنای خصوصیات گردشگری محیط اطراف به عنوان عرصه‌های دارای ظرفیت و بهره‌وری اقتصادی به منظور جذب توریست
رابطه اداری	ارتباط متقابل ساختاری، وابستگی‌های متقابل سازمانی، وابستگی اداری، سیاسی

(مأخذ: نگارنگان با اقتباس پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸)

1. Reciprocal

مختلف برنامه‌ریزی، الگوی توسعه پایدار مبنای برنامه-ریزی قرار گرفته باشد، توسعه پایدار گردشگری نیز به عنوان جزئی از اجزاء سیستم توسعه ملی امری تحقق-پذیر خواهد شد (وثوقی، ۱۳۹۱: ۵۸).

الگوی توسعه یکپارچه شهر و پیرامون

با ردیابی در نظریه های کلاسیک توسعه منطقه ای (قطب رشد و مرکز پیرامون) براساس تکوین و رشد مرکز شهری- صنعتی پایه‌گذاری شده و پیرامون روستایی- کشاورزی، تابع تحولات مرکز به شمار آمده است. در نگاه بالا به پایین این نظریه‌ها، قطبش فضایی لازمه دستیابی به یکپارچگی فضایی است.

از سوی دیگر، در رویکرد شبکه منطقه‌ای، نگاه جامع و افقی به روابط متقابل میان شهر و پیرامون با تأکید بر نظام برنامه‌ریزی غیرمتمرکز یا یکپارچه و مشارکت چندبخشی فعالیت‌های شهری و روستایی است. این دیدگاه کاربرد بیشتری در مطالعات شهر و پیرامون دارد اما در آن به مباحث زیست محیطی و بوم‌محوری توجه چندانی نشده است. زیست منطقه پایدار که شیوه برنامه-ریزی بر پایه تفکر اکولوژیک و بوم‌محور است، به ایجاد پیوند متقابل و رابطه متعادل و متوازن بین انسان، جامعه و طبیعت می‌اندیشد. رویکرد نظری توسعه یکپارچه شهر و پیرامون در فهم و توجیه روابط شهر و پیرامون، بر انگاره و اصول پایه‌ای این دو دیدگاه (راهبرد شبکه منطقه‌ای و زیست منطقه) نهاده شده است. اما، پرسش‌های اصلی این است که مناسبات شهر و پیرامون را چگونه باید بر مدار یکپارچگی هدایت کرد؟ ظرفیت‌های گردشگری محیط پیراشهری چه نقش و جایگاهی در الگوی توسعه یکپارچه شهر و پیرامون دارد؟

مفهوم یکپارچگی، به ویژه از منظر مدیریت بر رشد شهر و پیرامون را باید در سه سطح نگریست؛ سطح اول، یکپارچه‌نگری عملکردی است. یعنی تمام عملکردها (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کالبدی و زیست محیطی) به صورت یکپارچه دیده شود. سطح دوم، یکپارچه‌نگری قلمروی است که در آن کلیه عرصه‌های شهری و پیراشهری به صورت یکپارچه دیده می‌شود؛ سطح سوم به یکپارچه‌نگری در برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه اختصاص

را از ابعاد محیطی و تجربی با ارزیابی تأثیرات فیزیکی گردشگری بر روی یک مقصد تعیین کرده‌اند (Mathieson and Wall, 1982: 184).

از جلوه‌های گردشگری در مناطق پیراشهری «گردشگری خانه‌های دوم» است. اصطلاح خانه دوم برگردان واژه Second home است. البته اصطلاحات دیگری از جمله خانه جایگزین^۱ خانه بازنشستگی^۲، خانه تفریحی^۳، خانه تعطیلات^۴، خانه تابستانی^۵ و کلیه تابستانی^۶ نیز برای آن وجود دارد، اما عمدتاً گردشگری سکونت، جدای از گردشگری خانه دوم قلمداد می‌شود و آن زمانی است که فرد بیش از یک سال، اما به طور موقت، در خانه دیگری سکونت می‌کند (Tress, 2007: 3-152).

به طور کلی، گردشگری پیراشهری چنانچه در راستای اهداف توسعه پایدار و یکپارچگی شهر و نقاط پیرامون نباشد، شکلی از توسعه کنترل نشده اتفاق می‌افتد که باعث تخریب محیط طبیعی و انسانی و کاهش ظرفیت پذیرش نقاط پیرامون می‌شود (Fernando, Yeamduan, Daniel, 2003: 21).

یکی از مباحث اساسی در گردشگری همانا گردشگری پایدار است که متکی بر ایده اولیه توسعه پایدار بوده و بدین سبب تنها اهداف زیست محیطی را دنبال نمی‌کند و در پی برقراری موازنه میان اهداف و منافع اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی جامعه است. بر این مبنای، یک مرکز گردشگری زمانی به شیوه‌ای پایدار توسعه می‌یابد که در وضعیت موجود کلیه نیازهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی جامعه را بر طرف کرده بدون آنکه به بنیان‌های زیستی نسل‌های آینده که مایل‌اند در موطن خود زندگی کنند، آسیب وارد آورد. بنابراین، توسعه پایدار گردشگری را نمی‌توان به عنوان بخشی مستقل از توسعه ملی، منطقه‌ای و محلی به شمار آورد؛ هرگاه در سطوح

1. alternative home
2. retirement home
3. recreation home
4. vacation home
5. summer home
6. summer cottage

تنها در قالب تأکید بر نحوه و دامنه مناسبات متقابل و تعامل میان عرصه‌های شهری و سکونتگاه‌های پیرامونی شهر (پیراشهری) قابل درک و چاره‌جویی است (سعیدی، ۱۳۸۲: ۷۴).

با توجه به پیوستگی و درهم‌تنیدگی روزافزون نواحی شهر و پیرامون، برای رشد هماهنگ و موزون این نواحی به ویژه در مناطق دارای ظرفیت گردشگری، باید راهبرد توسعه یکپارچه اتخاذ شود که در آن روند توسعه سکونتگاه‌های پیرامونی توأم با توسعه شهری در نظر گرفته شود. در اینجا، مفهوم یکپارچگی غالباً در تقابل با مفهوم پراکندگی معنا پیدا می‌کند که در آن حلقه اتصال بین عناصر متشکله یک سیستم یا نظام از هم گسسته‌اند.

بنابراین، توسعه یکپارچه به مفهوم ارتباط منطقی بخشی، فضایی و زمانی برنامه‌ها در قالب برنامه‌ریزی‌های محیطی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی براساس ویژگی‌ها و ظرفیت‌های محیط است که مشارکت فعال مردم و مدیریت واحد ناحیه‌ای را به دنبال دارد. دستیابی به یکپارچگی و توسعه یکپارچه در سطح هر ناحیه، بر شناخت نظام‌های متعادل فضایی، تباینات فضایی، قلمروها و سلسله مراتب فضایی استوار است. بر این مبنا، فرایند توسعه یکپارچه شهر و پیراشهر، تنظیم بهینه فعالیت‌های انسان در پهنه سرزمین به مقیاس ناحیه را مد نظر قرار می‌دهد و شناخت و شناسایی تأثیرات متقابل چند نوع فضا را الزامی می‌داند؛ فضاهای فراموش شده یا بکر، فضاهای متروک شده یا رها گشته (روستاهای خالی از سکنه)، فضاهای توسعه‌یافته روستایی و شهری موجود و فضاهای در حال توسعه دارای ظرفیت چون روستاها و مناطق پیرامونی هدف گردشگری (سرور، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

شالوده نظری الگوی پیشنهادی توسعه یکپارچه شهر و پیرامون، بر ترکیب و جمع بست سه بحث توسعه شهری، توسعه پیراشهری و گردشگری مناطق پیرامونی شهر استوار است. تلفیق منطقی معیارهای برآمده از سه بحث فوق، چارچوب الگوی پیشنهادی توسعه یکپارچه شهر و پیرامون را تشکیل می‌دهد. این معیارها خود باید بر بنیاد فکری و شالوده دیدگاه‌ها و نظریه‌های پایه و پشتوانه این بحث (جمع بست نظری مناسبات و اصول یکپارچگی شهر و پیراشهری) استوار و با آن همسو باشد (جدول ۳).

دارد؛ کلیه سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و اجرای آنها باید به صورت هماهنگ (یکپارچه) انجام شود (کاظمیان، ۱۳۸۸: ۴۴). در مدیریت بر رشد شهر و پیراشهری، یکپارچه‌نگری مناسبات شهر و پیرامون بر مبنای اصولی چند ضروری است؛ نخست همسویی و همگرایی در حرکت میان اجزاء مجموعه شهر و پیرامون به سوی هدف واحد، سپس، سازگاری و هماهنگی میان عناصر موجود در محیط‌های شهر و پیرامون و، سرانجام، همبستگی بین اجزا از طریق ارتباط متقابل و تعامل بین آنها که بخش‌های غیر متصل در یک محیط را به مجموعه‌ای یکپارچه تبدیل کند.

از دیدگاه نظام‌وار (سیستمی)، محیط، فضا و توسعه (به مفهوم دگرگونی پویا) را باید عناصری هم پیوند از نظام سکونتگاهی به شمار آورد. بنابراین، با عنایت به سرشت ساختاری-کارکردی سکونتگاه‌های روستایی (سعیدی، ۱۳۸۹: ۹)، نمی‌توان فعالیت‌ها و روابط آنها را بدون توجه به کانون‌های شهری تصور کرد.

در دهه‌های اخیر، به دلیل تسهیل روابط و پیوندها میان محیط‌های روستایی و شهری، نوعی پیوستگی میان این دو عرصه زیستی پدیدار شده است. این پیوستگی، در قالبی نظام وار عمل می‌کند و، بنابراین، آنچه در یک عرصه اتفاق می‌افتد، بر عرصه دیگر اثرگذار است (پورمحمدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۸). با این حال، نظام‌های برنامه‌ریزی، نواحی روستایی و شهری را به عنوان دو مجموعه سکونتگاه جدا و رقیب تلقی می‌کند و نوعی برنامه‌ریزی تفکیک شده که یکپارچگی عرصه‌های فضایی را نادیده می‌گیرد، رایج شده است. تاکولی (۱۹۹۸) در همین خصوص اشاره می‌کند که شناخت صحیح روابط جاری میان محیط‌های روستایی و شهری می‌تواند به کوشش برای تغییر ساختاری - عملکردی روابط و مناسبات موجود و در نتیجه، برقراری پیوندهای مناسب یاری رساند و بی‌توجهی به این مهم، مسلماً به تعمیق بیشتر نابرابری‌ها میان کانون‌های شهری و محیط‌های روستایی خواهد انجامید (Bulter, 2002: 3).

پایداری این نواحی به گونه‌ای با یکدیگر مرتبط است که بسیاری معتقدند فهم و تعدیل فرایندهای منجر به ناپایداری در کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه که در معرض شهرنشینی شتابان قرار دارند،

جدول ۳. جمع بست نظریات الگوی توسعه یکپارچه شهر و مناطق پیراشهری با توجه به ظرفیت‌های گردشگری

ردیف	عنوان اصلی	اصول بنیادی و خصوصیات برجسته مورد بحث
۱	توسعه شهری	<ul style="list-style-type: none"> • مفهوم توسعه • گسترش هماهنگ و متعادل سطح اختصاصی به ساختمان‌های مسکونی در شهر با سطوح مورد نیاز سایر کاربری‌ها. • برابری و تعادل بین کیفیت و کمیت اراضی احداثی و اندازه جمعیت شهرنشینی. • افزایش محدوده‌های فیزیکی و فضاهای کالبدی در جهات عمودی و افقی در فرایندی مداوم. • روندی معقول برای پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های شهروندان و دربرگیرنده فضاهای کالبدی، جهت کارکردها و فعالیت‌های نوین با به پای تحولات اجتماعی.
	اشکال رشد شهری	<ul style="list-style-type: none"> • گسترش افقی شهر به شکل افزایش محدوده شهر و رشد عمودی به صورت درون-ریزی جمعیت شهری و رشد فشرده شهری. • رشد از درون، رشد پیرامونی، رشد از بیرون از گونه‌های رشد کالبدی شهر براساس محدوده فیزیکی شهر.
	توسعه یکپارچه شهری و روستایی	<ul style="list-style-type: none"> • در سه سطح: سطح اول یکپارچگی عملکردی، سطح دوم یکپارچگی قلمرو و سطح سوم لایه‌های مدیریتی. • به دلیل وجود روابط و پیوندهای زیاد بین محیط‌های روستایی و شهری، نوعی پیوستگی در قالبی نظام‌وار عمل کرده و آنچه در یک عرصه اتفاق می‌افتد، بر عرصه دیگر اثرگذار است. • شناخت و شناسایی تأثیرات متقابل در قالب سه فضای اثرگذار فضاهای فراموش شده یا بکر، فضاهای متروک شده و فضاهای توسعه‌یافته و در حال توسعه.
۲	محیط پیراشهری	<ul style="list-style-type: none"> • مفهوم و ویژگی‌ها • کناره شهری و لبه جغرافیایی آن، به عنوان یک مکان، و به جابه‌جایی کالاها و خدمات بین فضاهای کالبدی و گذار از نواحی روستایی به نواحی شهری به عنوان یک فرآیند. • برخوردار بودن از ارزش‌های روستایی، نزدیکی به دسترسی‌ها، تراکم جمعیتی بالا و رو به افزایش، منابع درآمدی متنوع، مجادله بر سر حق تصرف زمین، تغییر ناهماهنگ زمین کشاورزی به عملکرد سکونت، مشکلات زیست محیطی، استفاده بیش از حد از منابع، پویایی اقتصادی و فقدان شدید خدمات. • در کشورهای کمتر توسعه یافته به عنوان یک ناحیه مکمل روابط اجتماعی-اقتصادی با شهرها و تهدیدکننده لبه‌های شهری به دلیل تحرکات جمعیتی و ساخت و سازهای غیرمجاز.

<ul style="list-style-type: none"> • به عنوان یک منطقه گذار و مناسب برای گذران اوقات فراغت و دوران بازنشستگی. • تحت تأثیر گسترش انفجار گونه و رشد بی ضابطه و شتاب‌زده شهرها و برخوردار از خطر تخریب زمین‌های کشاورزی و حاصلخیز و باغ‌های مشجر اطراف (تحت تأثیر گسترش حومه‌ای شهرها و حاصل فرایند عدم تمرکز و کانونی نبودن). 	
<ul style="list-style-type: none"> • پیشروی شهری رشدی کنترل نشده همراه با پراکنش و انتشار جمعیت از مراکز فشرده به قطب‌های پراکنده در زمین‌های توسعه‌نیافته و به صورت توسعه جهشی و توسعه-ای ناچیز و خزش به اطراف شهر و برخوردار از آلودگی محیطی، تراکم پایین مسکونی، کمبود فضاهای باز کارکردی، وابستگی به وسایل نقلیه شخصی به دلیل عدم پوشش‌دهی توسط شبکه حمل و نقل شهری، کاربردهای زمین به صورت کاملاً پراکنده. • به سه نوع، مشتمل بر رشد مبتنی بر توسعه مناطق درونی یا رشد میان افزا، رشد گسترشی و رشد دور از مرکز یا رشد پیراشهری. • رشد دور از مرکز شهر را نیز سه نوع مشتمل بر رشد «مجزا یا ایزوله»، «خطی» و «خوشه‌ای». 	<p><u>الگوهای توسعه پیراشهری</u></p>
<ul style="list-style-type: none"> • برخورداری از جاذبه‌های گردشگری فرهنگی، طبیعی و انسان ساخت. • توجه به گردشگری خانه‌های دوم و تأثیر آن بر روستا و تغییر نظام فعالیتی کارکردی آن. • توجه به رویکردهای تعامل محیط - انسان، تحلیل فضایی - مکانی، سنتز منطقه‌ای - فرآیندهای طبیعی. • توجه به ظرفیت اکولوژیک در ظرفیت پذیرش گردشگری به نوعی توسعه در حد ظرفیت پذیرش محیط. 	<p>۳</p> <p><u>مفهوم و ویژگی‌ها</u></p>
<ul style="list-style-type: none"> • رهیافت‌های توسعه گردشگری: رویکرد منفعت‌طلبی یا بهره‌کشی، رویکرد اقتصادی، رویکرد فضایی/کالبدی، رویکرد اجتماع‌محور. • گردشگری پایدار در طی فرآیندی مداوم در یک محیط در زمان نامحدود، بدون صدمه زدن به محیط زیست و سایر فعالیت‌ها و فرآیندهای اجتماعی حاصل از توسعه شهری. • رویکردهای استراتژیک، یکپارچه و خوشه از رویکردهای گردشگری پایدار. • رویکرد یکپارچه گردشگری: هدف اصلی توسعه پایدار محیطی، اقتصادی، اجتماعی در گردشگری و توانمندکردن مردم محلی و به موجب آن در پایداری نظام کارکردی این سکونتگاه‌ها. • یکپارچگی اقتصادی، یکپارچگی مدیریتی و یکپارچگی افراد (همسویی جوامع محلی و گردشگران). 	<p><u>ظرفیت گردشگری، گردشگری پایدار و گردشگری یکپارچه</u></p> <p><u>مدل‌ها</u></p>

- مشخصه‌های اصلی یکپارچگی: پایداری- اصل مکمل یا متمم- توانمندسازی- توسعه درون‌زا- تثبیت.

- نکات**
- در راهبرد شبکه منطقه‌ای رشد و توسعه شهر و پیرامون از طریق روابط مکمل و پیوندهای سازمان یافته می‌باشد و جریان‌ها نقش مهم در فرآیند توسعه دارند.
 - رابطه بین مرکز و پیرامون از نوع مناسبات سلطه است و ساختار روابط به شکل قطبی و به نفع مرکز است.
 - در رویکرد زیست منطقه با تأکید بر دیدگاه اکولوژیگ و بوم‌محور، به دنبال ایجاد پیوند متقابل و رابطه متعادل و متوازن بین انسان جامعه و طبیعت می‌باشد.
 - در قطب رشد، تأکید اصلی بر نقش گره‌ها یا کانون‌های شهری به عنوان بازیگران اصلی توسعه و برنامه‌ریزی بخشی از بالا به پایین می‌باشد.

پارادایم

فضایی

(مأخذ: اقتباس از مباحث و مبنای نظری)

چارچوب فرآیند الگوی توسعه یکپارچه شهر و

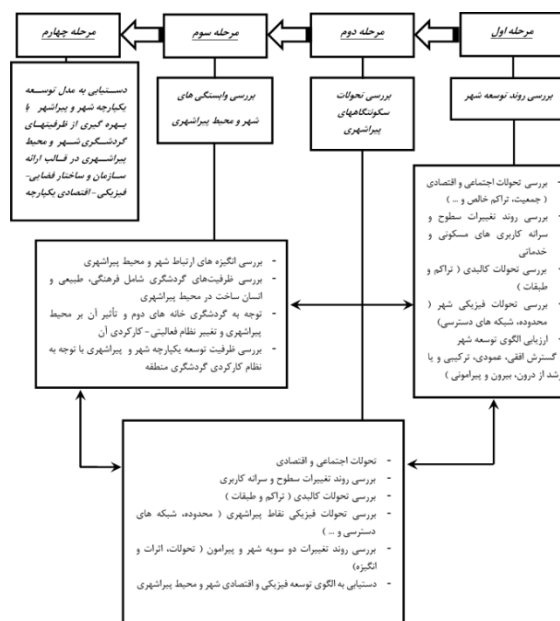
پیرامون با رویکرد گردشگری

الگوی توسعه یکپارچه شهر و پیرامون بر مبنای فعالیت گردشگری، باید ضمن حفاظت از ظرفیت گردشگری نقاط پیراشهری، به نیازهای گردشگری شهری پاسخ دهد و با برقراری توازن در همزیستی و هم‌پیوندی میان دو مجموعه زیستی شهر و پیرامون، از اثرات مخرب و زیانبار توسعه بر هر یک از این دو عرصه بکاهد.

از دیدگاه کلان الگوی فوق، بر چند نگرش کلیدی استوار است که پیش‌فرض‌های اصلی تدوین این الگو را تشکیل می‌دهد. نخست پویش رشد شهری در ایران که تا حدود زیادی خارج از کنترل نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری است. در این زمینه، اهداف منفعت-طلبانه و نگاه عمدتاً اقتصادی به شهر و زمین شهری طی ۵۰ سال اخیر، نیروی اصلی تحرک‌بخش در تحولات فضایی شهرها بوده است. دوم، فقدان رویکرد و روش یکپارچه‌نگر (همه‌سونگری) در برنامه‌ریزی توسعه شهری، سبب شده اراضی و مراکز زیستی پیرامون شهرها با اهداف عمدتاً اقتصادی و منفعت-طلبانه، مورد تصرف و استفاده قرار گیرد.

علاوه بر پیش‌فرض‌های فوق، باید به اصول توسعه یکپارچه شهر و پیرامون اشاره کرد که شاکله الگوی پیشنهادی بر آن استوار است. این اصول درصدد است راه حل فضایی کالبدی برای توسعه شهر و پیراشهری به صورت هماهنگ و یکپارچه ارائه دهد. اصول توسعه یکپارچه فضایی در سطح منطقه‌ای (شهر، حومه شهر، پیراشهری و مناطق روستایی) به شرح زیر مورد توجه است:

سطوح سه‌گانه یا سه سطح یکپارچگی شامل یکپارچگی عملکردی، یکپارچگی قلمروی و یکپارچگی مدیریتی است؛



شکل ۴. چارچوب الگوی پیشنهادی توسعه یکپارچه شهر

و مناطق پیراشهری براساس ظرفیت‌های گردشگری

مرحله اول؛ بررسی روند رشد و الگوی توسعه شهر.

مرحله دوم؛ بررسی روند تحولات و الگوی تغییرات سکونتگاه‌های پیراشهری.

مرحله سوم؛ بررسی وابستگی‌ها و پیوندهای شهر و محیط پیراشهری.

مرحله چهارم؛ تدوین الگوی توسعه یکپارچه براساس ظرفیت‌های گردشگری.

در این ارتباط الگوی فرآیندی این رویکرد در اشکال ۵ و ۶، به ترتیب، شاخص‌های اصلی و چارچوب مفهومی الگوی توسعه یکپارچه شهر و پیرامون را براساس ظرفیت‌های گردشگرد نشان می‌دهد.



شکل ۵. ابعاد اصلی الگوی پیشنهادی توسعه یکپارچه شهر و مناطق پیراشهری براساس ظرفیت‌های گردشگری

- توجه به ماهیت چندبخشی توسعه در سطح محلی مناطق پیراشهری به جای توجه شهر محور و فراهم آمدن امکان ایجاد تنوع در منابع رشد اقتصادی.

- توجه به تخصصی شدن خوشه‌های سکونتگاهی پیرامون شهر به جای دیدگاه مرکز - منطقه (تعیین نقش خوشه‌های سکونتگاهی در رابطه با فعالیت‌های اصلی و کلیدی).

- توجه به حومه‌های شهری به عنوان سطحی از هماهنگی و یکپارچگی برنامه‌ریزی برای شهرها بدون توجه به مرزهای منطقه‌ای.

- توجه به شبکه پیوندهای افقی بین مراکز زیست و فعالیت در سطوح مختلف شهری، حومه شهر و مناطق پیراشهری.

- شناخت انواع پیوندهای موجود بین نقاط روستایی و شهری و ارائه تحلیل نهایی پیوندها.

- توجه به روابط اقتصادی - اجتماعی، ظرفیت‌های نهادی و جنبه‌های زیستی مهم در دستیابی به توسعه یکپارچه.

- خدمات‌رسانی فعالیت‌ها به جمعیت حوزه نفوذ عملکردی و توزیعی شهر و پیراشهری.

- توجه به رونق مناطق پیراشهری و سرمایه‌گذاری فعالیت‌های خدماتی شهرها در شهرک‌ها و حومه‌های روستایی پیرامون شهر.

- و سرانجام، توجه به کاهش فاصله و زمان سفر و رشد امکانات حمل و نقل بین سکونتگاه‌های منطقه.

بر مبنای اصول یکپارچگی فوق، می‌توان عوامل سازنده، نیروهای اثرگذار و نیازهای الگوی توسعه یکپارچه شهر و مناطق پیراشهری را بر پایه ظرفیت‌های گردشگری، طرح‌ریزی شود. فرآیند این الگو از طریق دستیابی به چهارم مرحله قابل تبیین است.

بحث و نتیجه‌گیری

توسعه یکپارچه، روش و راهبرد برنامه‌ریزی نظام فضایی با رویکرد استقرار بهینه و توازن در روابط و عملکرد مراکز سکونتگاهی است. اندیشه توسعه یکپارچه اساساً بر این اصل استوار است که مراکز و نظام‌های سکونتگاهی همچون سایر پدیده‌ها و واحدهای مکانی-فضایی، نظام‌هایی هستند که اجزای آن با یکدیگر در کنش متقابل است و هر تغییر در یک جزء به سایر اجزا منتقل می‌شود. بنابراین، اجزای گوناگون باید به گونه‌ای هماهنگ و هم‌نوا در جهت اهداف نظام عمل کند. این مقاله با تکیه بر دیدگاه برنامه‌ریزی توسعه یکپارچه، الگویی از توسعه هماهنگ شهر و پیراشهری با توجه به وابستگی‌های متقابل بر مبنای نیازهای گردشگری ارائه داده است. شالوده الگوی پیشنهادی بر شناخت روند رشد و الگوی توسعه بر مبنای پایش تغییرات اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و فیزیکی در شهر و سکونتگاه‌های پیرامون شهر، شناخت مناسبات و وابستگی‌های شهر و محیط پیرامون بر مبنای بررسی ظرفیت‌ها و انگیزه‌های ارتباط شهر و پیرامون و الگوی تغییرات در روابط شهر و پیرامون استوار است. تحلیل دقیق علل گرایش شهر به مناطق پیراشهری و ویژگی‌هایی که در مناطق پیرامون باعث کشش شهر و جذب جمعیت شهری به این مناطق می‌شود، نقش کلیدی در تدوین الگوی توسعه یکپارچه شهر و پیرامون دارد.

الگوی فوق باید در شاکله سازمان فضایی پیشنهادی به صورت همبسته میان شهر و پیرامون جریان یابد. مناسبات شهر و پیرامون بر مبنای ظرفیت گردشگری مناطق پیراشهری، چون خود گردشگری، دارای پویایی و تغییرپذیری بالاست. در نتیجه، سازمان و ساختار فضایی یکپارچه شهر و پیرامون، باید براساس تغییرات فوق، سیالیت و انعطاف‌پذیری لازم داشته باشد.

هدف غایی سازمان فضایی و الگوی توسعه یکپارچه، حفظ استقلال کالبدی و عملکردی و هویت فرهنگی و اجتماعی سکونتگاه‌های پیرامونی، از یک سو، و ترکیب فیزیکی منسجم برای شهر، از دیگر سو، است.

منابع

- امیری‌نژاد، غزال (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی کاهش اثرات منفی زیست‌محیطی پیشروی شهری در برخوردگاه پیرا-شهری با به کارگیری روش تحلیل مناسبت محیطی EIA، نمونه موردی: منطقه ۱۸ شهرداری تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
- پورمحمدی، محمدرضا؛ طورانی، علی؛ حسینلو، معصومه (۱۳۹۲). «توسعه یکپارچه نواحی روستایی و شهری؛ رویکردی فضایی و استراتژیک در نظام برنامه‌ریزی سکونتگاه». مجله اندیشه جغرافیایی. سال هفتم. شماره چهاردهم.
- سعیدی، عباس (۱۳۸۹). «محیط، فضا و توسعه بحثی در ضرورت توسعه یکپارچه روستایی-شهری». فصلنامه مسکن و محیط روستا. شماره ۱۳۱.
- _____ (۱۳۸۲). «روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی-شهری، یک بررسی ادراکی». مجله علمی - پژوهشی جغرافیا. شماره ۱.
- سرور، رحیم (۱۳۸۷). برنامه‌ریزی کاربری اراضی در طرح‌های توسعه و عمران ناحیه‌ای. انتشارات پرهام. چاپ اول.
- فرید، یدالله (۱۳۷۵). جغرافیا و شهرشناسی. چاپ چهارم. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- قدمی، مصطفی (۱۳۸۶). مدل‌سازی توسعه شهری و گردشگری در چارچوب پایداری؛ نمونه مورد مطالعه شهر کلاردشت. رساله دکترا. دانشگاه تهران.
- کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۸). «اعتقاد به مدیریت یکپارچه نیازمند اعتماد متقابل است». مجله منظر. شماره ۳.
- کدیور، علی‌اصغر؛ سقایی، مهدی (۱۳۸۵). «ساماندهی

(۱۳۸۹). «الگوی پراکنش شهری: گونه‌شناسی، ابعاد، متریک‌ها و متغیرهای تأثیرگذار در ظهور آن». فصلنامه آرمانشهر. شماره ۵.

و ثوقی، لیلا (۱۳۹۱). تحلیل فرآیند توسعه گردشگری در مناطق روستایی، با تأکید بر مدل خوشه گردشگری؛ مورد مطالعه: منطقه رودبار قصران، شهرستان شمیرانات. رساله دکترا. دانشگاه تهران.

گردشگری در تفرجگاه‌های پیرامون شهری مطالعه موردی: دره اخلمد». مجله تحقیقات جغرافیایی. دوره ۲۱. شماره ۴. پیاپی ۸۳.

لطفی، صدیقه (۱۳۸۶). «بررسی توسعه گردشگری شهری در تعامل با اکوتوریسم». دو فصلنامه اندیشه جغرافیایی. سال اول. شماره اول.

مشکینی، ابوالفضل؛ غلامی، علیرضا؛ پرهیز، فرهاد

Anna University (2006). Institute of Rural Management (IRMA) Institute for Transport Planning and Traffic Engineering, University of Technology Vienna (TUW-IVV) Institute for Transport Studies, University of Leeds (ITS) Stockholm Environment Institute (SEI) Tata Energy Research Institute (Teri)- “A comparison between the periurban developments in the EU & US and India”. Promoting Competitive and Sustainable Growth.

Bhatta, B. (2010). “Analysis of Urban Growth and Sprawl from Remote Sensing Data”. *Computer Science & Engineering Computer Aided Design Centre*. spring.

Bulter, Lorma Michel and et. al (2002). *rural-urban interdependency and the future of agriculture*. Iowa state University.

Delik Hudalah (2010). *Peri-urban planning in Indonesia. Contexts, approaches and institutional capacity*. university of groningen.

Fariss, J. T. Errence (2001). *The Barriers to Using Urban Infill Development to Achieve Smart Growth*. NC (A White Paper).

Fernando, J. Garrios Simon, Yeamduan Narrangajavana, and Daniel Palacios Marques (2004). “carrying capacity in tourism industry: a case study of Hengistbury head”. *Tourism management*. Pp. 275-283.

Hall, P. (1994). *Toward Sustainable, Livable and Innovative Cities for 21 st. century*. In Proceeding of the third Conference of the World Capitals. Tokyo.

Loibl, W.; Bell, S. (2011). *Population and migration*. In: Piorr, A.; Ravetz, J.; Tosics, I. (eds). *Peri-urbanisation in Europe*. Academic Books Life Sciences. Copenhagen. Pp. 50–55.

Mathieson, A. & Wall, G. (1982). *Tourism: economic, physical and social impacts*. Longman: Harlow. UK. Co.

Popa, Andreea (2012). *Development of peripheral areas trough tourism-disadvantages and benefits: case study for Romanian Coastal Area*. Conference report -International Forum on Urbanism, Escola Técnica Superior d'Arquitectura de Barcelona.

Pekka Kauppila, Jarkko Saarinen, Riikka Leinonen (2009). “Sustainable Tourism Planning and Regional

Development in Peripheries: A Nordic View". *Scandinavian Journal of Hospitality and Tourism*.

Rahnamaei, Mohammad Taqi (1979). *Kulturlandschaftswandel in den talern der Elburz - Sudflanke unter besonderer erucksichtigung der naherholungsfunktion tehrans. Dissertation, Marbug, Philipps Universitat*.

Sievert, Thomas (2003). *Cities without Cities: An Interpretation of the Zwischenstadt*. Publisher: Spon Press.

Place of publication: New York.

Publication year: 2003. Pp. iii.

Tacoli, Cecilia (1998). "Environment and Urbanization". *Rural-urban interactions: a guide to the literature*. Vol. 10. No. 1.

Wilson, E. H.; Hurd, J. D.; Civco, D. L.; Prisløe, S.; Arnold, C. (2003). "Development of a Geospatial Model to Quantify, Describe and Map Urban Growth". *Remote Sensing of Environment*. 86(3). Pp. 275-285.

Archive of SID